

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

DAVID



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان

تحلیل ساختاری و محتوایی حکایت های اسرارنامه ی عطار

استاد راهنما:

دکتر احمد رضایی جمکرانی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا نصر اصفهانی

نگارنده:

مرضیه السادات فاطمی

زمستان ۱۳۸۶

۹۸۳۷۵

کتابخانه اطلاعیه‌ها و اسناد
مکتوبخانه

۱۳۸۷ / ۴ / ۱۹



تاریخ: ۱۳، ۱۲، ۸۶

شماره: ۱۱، ۶، ۴

پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: مرضیه السادات فاطمی رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان: بررسی و تحلیل ساختاری و معنایی حکایت های اسرارنامه عطار

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۸ / ۱۲ / ۸۶ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹٫۵ با حروف نرسیم

با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبۀ علمی	امضاء
امد رضایی جمرانی	استاد راهنما	استادیار	
محمد نصر اصفهانی	استاد مشاور	استادیار	
علیرضا نبی لوپهرقانی	استاد ناظر	استادیار	
محمد فولادی	استاد ناظر	استادیار	
علیرضا نبی لوپهرقانی	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی

۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری

۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

هدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء:

به پدر و مادره

که سطر سطر رقص (هایی) قلم

واژ آهنگ بزرگداشت نام ایشان است

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

سپاس بیکران پروردگارم را که به من توفیق برداشتن گامی در راه دانش ارزانی داشت .
اکنون که این رساله را با یاری حق به پایان رساندم برخود لازم می دانم از همه ی عزیزانی که
مرا در این راه همراهی کردند تشکر و قدردانی کنم .

از استاد فرزانه و گرانقدرم جناب آقای دکتر احمد رضایی جمکرانی که در جایگاهی فراتر از یک
استاد راهنما بی دریغ سرمایه ی علمی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند سپاسگزارم ؛
همچنین از استاد مشاور بزرگووارم جناب آقای دکتر محمد رضا نصر اصفهانی که با راهنمایی ها
و دلسوزی های پدرانۀ شان مرا در سطر سطر و کلمه به کلمه ی این رساله یاری نمودند کمال
تشکر و قدردانی را دارم و ارج می نهم زحمات تمامی معلمین و اساتیدی را که در این سالها در
محضرشان آموخته ام ؛ که « من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا » .

جای آن دارد که فروتنانه در برابر زحمات بی پایان پدر و مادرم که هر گام زندگی ام را به
پشتیبانی آنها برداشتم ، سر فرود آرم و سپاسگزار وجودشان باشم و همچنین از دو خواهر خوبم
که عزیزترین کسان زندگی ام هستند به خاطر تمام امید دادن ها و همراهی هایشان
سپاسگزارم .

و در پایان از همه ی دوستان مهربانم که مهربانی هایشان آرام خاطر من بود به ویژه خانم مریم
پناهی قدردانی می کنم .

ومن الله التوفيق

مرضیه السادات فاطمی

اسفند ۱۳۸۶

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی ساختاری محتوایی از حکایت های اسرارنامه ی عطار، است به بیان دیگر، این پژوهش عهده دار تحلیل ریخت شناسی شکل و مضمون گرایبی در حکایت های اسرارنامه است. بدین منظور نگارنده ابتدا به تحلیل حکایت ها و بررسی ساختار متن، نوع روایت، چگونگی شخصیت ها، چگونگی اعمال داستانی شخصیت ها و دیگر عناصر داستان در حکایت ها پرداخته و سپس عناصر مشابه و متفاوت و الگوهای جامع حکایات به لحاظ روایی، شخصیت و کنش های داستانی را بیان کرده است. در پایان نهایتاً به این نتیجه رسیدم که حکایت های اسرارنامه شامل موضوعات مذهبی، عرفانی و اخلاقی، اجتماعی می باشد که عطار با ظرافت هرچه تمام این موضوعات را اصولاً به صورت غیرصریح بیان کرده است و همچنین این حکایت ها شامل ۴۲ الگوی کنشی، ۱۸ الگوی شخصیتی و ۷ الگوی روایتی است.

کلمات کلیدی: ساختار، روایت، محتوا، شخصیت، کنش داستانی، طرح، فضا.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
فصل اول: کلیات	
۶.....	نقد و شکل گیری آن
۷.....	انواع نقد
۸.....	فرمالیسم روسی
۱۰.....	شکل گیری نقد ساختار گرایی
۱۲.....	ساختار و ساختار گرایی چیست؟
۱۴.....	پیشینه ساختار گرایی
۱۷.....	اصول ساختار گرایی
۱۷.....	تمایز زبان و گفتار
۱۹.....	منطق دو گانه
۲۱.....	روابط همنشینی و جانشینی
۲۲.....	بررسی دز زمانی و همزمانی
۲۳.....	دال و مدلول
۲۵.....	ساختار گرایی ادبی
۲۹.....	نقد نو
۳۱.....	روایت و ساختار گرایی
۳۱.....	تعریف روایت
۳۳.....	ویژگی های روایت
۳۴.....	نظریه های روایت
۳۵.....	ولادیمیر پراپ

۳۷	تزو تان تودوروف
۳۸	ژرار ژنت
۴۰	آلجیرداس گریمما
۴۱	کلود بزموں
۴۲	رولان بارت

فصل دوم: عطار و آثارش

۴۵	احوال عطار
۴۶	آثار عطار
۴۸	الهی نامه
۴۹	منطق الطیر
۵۰	مصیبت نامه
۵۰	تذکره الاولیا و دیگر کتب عطار

فصل سوم: اسرارنامه و حکایاتش

۵۳	اسرارنامه
۵۵	زبان اسرارنامه
۵۵	عاری بودن از صناعات ادبی
۵۶	استشهاد به آیات و احادیث
۵۶	طنز در اسرارنامه
۵۹	حکایت و نشانه ها
۶۰	انواع حکایات

حکایت های صریح ۶۰

حکایت های غیرصریح ۶۲

فصل چهارم: خلاصه ی حکایات اسرارنامه

خلاصه ی حکایات اسرارنامه ۶۶

فصل پنجم: شخصیت و شخصیت پردازی

شخصیت ۸۴

شخصیت پردازی عطار در حکایات ۸۷

شخصیت پردازی مستقیم ۸۷

شخصیت پردازی غیرمستقیم ۸۹

شخصیت در حکایات اسرارنامه ۹۰

ویژگی های شخصیت در حکایات اسرارنامه ۹۲

کلی بودن شخصیت ها ۹۲

سادگی ۹۴

عینی بودن شخصیت ها ۹۶

مطلق گرایی شخصیت ها ۹۷

طبقه بندی شخصیت ها ۹۹

شخصیت های انسانی ۹۹

پیر ۱۰۰

مزید ۱۰۱

پادشاه و درباریان ۱۰۱

- گدا و فقیر ۱۰۲
- دیوانه ۱۰۳
- مبهم و ناشناس ۱۰۴
- بی خبران و نادانان ۱۰۵
- شخصیت های حیوانی ۱۰۶
- شخصیت هایی که نه انسانند و نه حیوان ۱۰۸
- شخصیت ها براساس کنش و عمل داستانی ۱۱۱

فصل ششم: روایت

- راوی و زاویه دید ۱۱۸
- الگوهای روایتی ۱۲۷

فصل هفتم: کنش های داستانی

- تعریف و طبقه بندی کنش ۱۳۸
- الگوهای کنشی ۱۴۶

فصل هشتم: پیرنگ

- مفهوم پیرنگ (طرح) ۱۵۵
- پیرنگ در اسرارنامه ۱۵۸
- حکایاتی که پیرنگ دارند ۱۵۸
- حکایاتی که پیرنگ ندارند ۱۶۲

فصل نهم: دیگر عناصر

- ۱۶۷.....درون مایه
- ۱۶۸.....نحوه ی ارائه ی درون مایه
- ۱۶۸.....نحوه ی ارائه ی درون مایه در حکایات عطار
- ۱۷۰.....درون مایه های حکایات عطار
- ۱۷۱.....درون مایه های مذهبی، عرفانی
- ۱۷۴.....درون مایه های اخلاقی، اجتماعی
- ۱۷۶.....شیوه های پی بردن به درون مایه های حکایات عطار
- ۱۷۸.....لحن یا کیفیت بیان
- ۱۸۰.....بررسی لحن در حکایات عطار
- ۱۸۶.....فضا، زمان و مکان

فصل دهم: نتیجه گیری

- ۱۹۴.....نتیجه گیری
- ۲۰۵.....منابع

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول شماره ۱- کاربرد سه گروه شخصیت ها در حکایت های اسرارنامه .. ۱۱۰	
جدول شماره ۲- چگونگی کاربرد شخصیت های شش گانه در ۹۹ حکایت ۱۱۴	
جدول شماره ۳- چگونگی کاربرد الگوهای روایتی در ۹۹ حکایت..... ۱۳۴	
جدول شماره ۴- چگونگی کاربرد الگوهای کنش داستانی در ۹۹ حکایت. ۱۵۱	
جدول شماره ۵- چگونگی کاربرد الگوهای شخصیت های شش گانه، روایت و کنش داستانی در ۹۹ حکایت	۱۹۹

مقدمه

الف) بیان مسئله

هر متنی ساختار ویژه ای دارد و شناخت هر ساختاری در گرو شناخت عناصر تشکیل دهنده ی آن و نیز درک روابط و مناسبات میان این عناصر است. تنها پس از شناخت دقیق ساختار هر متن است که می توان آن را زیر گروه یک نوع ادبی خاص دانست.

«اسرارنامه» متنی است که ساختار ویژه و خاص خود را دارد. اطلاق هر نامی به این متن، و یا قرار دادن آن در یک زیر گروه ادبی، زمانی میسر است که عناصر ویژه ساختار را در آن تشخیص دهیم و روابط متقابل این عناصر را مورد بررسی قرار دهیم.

در این نوشته ما به دنبال تحلیل داستان ها، ساختار متن، نوع روایت، زبان روایت، فضاسازی، شخصیت پردازی و الگوهای ساختاری در اسرارنامه می باشیم و در نهایت نیز می خواهیم که الگوهای جامعی را ارائه نمائیم.

ب) اهداف پژوهش

چنین بررسی هایی در حوزه های مختلف ادبیات، نقد ادبی سبک شناسی و ... امکان ارائه ی الگوها را به ما می دهد و ادبیات و موضوع های ادبی و بررسی های ادبی را به علمی شدن سوق می دهد.

ب) اهمیت پژوهش

به لحاظ اهمیت موضوع می توان گفت که چنین تحقیقی امکان مقایسه ی علمی بین اسرارنامه و سایر منظومه های عطار و آثار مشابه را فراهم می سازد و امکان ارائه ی الگوهای جامع از چنین آثاری را فراهم می کند

ت) فرضیات تحقیق

۱. به نظر می رسد که عطار در اسرارنامه بیشتر بر خود روایت تأکید می کرده است تا جنبه هایمانند فضا سازی، گزینش شخصیت و غیره.
۲. به نظر می رسد که عطار در روایات اسرارنامه بیشتر بر درون مایه ی حکایات تأکید می کند.
۳. مقالات مختلف اسرارنامه دارای نظام روایی متفاوتی هستند در برخی، روایات هم گروه بسیار و در برخی نمی توان روایات یکسانی پیدا کرد.
۴. راویان اسرارنامه از تشخص آنچنانی و شناخته شده برخوردار نیستند و تصور می شود عمده ی راویان حکایات شخصیت همانندی داشته باشند.
۵. عمده ی عناصر تشکیل دهنده ی حکایات ذهنی هستند.

ث) پیشینه ی تحقیق

تحلیل ساختاری چنان پیشینه ای در زبان و ادب فارسی ندارد چرا که زمان زیادی از مطرح شدن این موضوع نمی گذرد به ویژه که زمان زیادی نیز از مطرح شدن آن در زبان فارسی نگذشته است و لیکن در این مدت نیز کتابهایی در این ارتباط نوشته و یا به فارسی ترجمه شده است و یا مقالاتی در این میان به صورت کوتاه نوشته شده و یا به دلیل نو و تازه بدون موضوع به نوعی موضوع پایان نامه های قرار گرفته است که در ارتباط با این نوشته ها در فصل کلیات در بخش پیشینه ی ساختارگرایی به تفصیل صحبت شده است.

ج) روش تحقیق

به منظور یافتن پاسخ درست برای فرضیات ابتدا به تحلیل حکایت های اسرارنامه پرداختیم و سپس عناصر مشابه و متفاوت میان حکایت ها استخراج و ساختار متن، نوع روایت، چگونگی شخصیت ها و دیگر عناصر مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت نیز جمع بندی های نهایی صورت گرفته و الگوهای جامع حکایات به لحاظ روایت، کنش و شخصیت ارائه شد.

این پژوهش شامل ۱۰ فصل می باشد که پس از بیان مقدمه ای در ارتباط با ساختارگرایی و توضیحاتی در ارتباط با عطار و اسرارنامه در هر فصل به یکی از عناصر داستان و بررسی آن در اسرارنامه پرداخته شده است. این فصول عبارتند از:

۱- کلیات: که شامل بحث هایی کلی و مقدمه ای در ارتباط با ساختارگرایی و چگونگی شکل گیری آن و کارهایی که در این میان صورت گرفته و همچنین اصول ساختارگرایی است در این بخش در ارتباط با روایت و نظریه های روایتی نیز سخن رفته است و نظریه های روایت پردازان بزرگ از جمله پراپ، تودوروف، ژنت، گریم، برمون و بارت بیان شده است.

۲- عطار و آثارش: در این فصل در ارتباط با احوال عطار و پس از آن آثار عطار، شامل الهی نامه، منطق الطیر، مصیبت نامه، تذکره الاولیا و مختارنامه و دیوان سخن رفته است.

۳- اسرارنامه و حکایاتش: در این فصل در ارتباط با مثنوی اسرارنامه که موضوع این رساله است و ویژگی های آن از جمله طنز و یا نشانه در اسرارنامه صحبت شده است.

۴- خلاصه ی حکایات: در این فصل به این منظور که نمایی از حکایات اسرارنامه به صورت خلاصه پیش روی خوانندگان باشد خلاصه ی تمام ۹۹ حکایت اسرارنامه آمده است.

۵- شخصیت و شخصیت پردازی: در این فصل ابتدا تعریف از شخصیت ارائه شده و سپس انواع شخصیت ها بیان شده است و از شیوه های کلی شخصیت پردازی سخن رفته است پس از آن شخصیت پردازی عطار در حکایات اسرارنامه و ویژگی های شخصیت های عطار در حکایات بیان شده است و پس

از آن نیز به طبقه بندی شخصیت ها به لحاظ نوع و کنش آنها در داستان پرداخته شده است و در انتها نیز الگوهای جامع شخصیتی همراه با جدول آنها آمده است.

۶- روایت: در این فصل درباره ی راوی، زاویه ی دید، سطوح مختلف روایی و انتقال روایت سخن گفته شده و سپس راویان داستان های عطار مشخص شده اند و الگوهای روایتی در این حکایات ارائه شده است به همراه جدول آنها.

۷- کنش های داستانی: در این فصل در ارتباط با کنش و کارکرد داستانی و طبقه بندی آنها سخن رفته و پس از آن الگوهای کنشی داستان های اسرارنامه به همراه جدولشان آمده است.

۸- پیرنگ: در این فصل نیز در ارتباط با مفهوم پیرنگ و پیرنگ در داستان های اسرارنامه چه آنهایی که دارای پیرنگ هستند و چه آنهایی که دارای پیرنگ نیستند صحبت شده است.

۹- دیگر عناصر: در این بخش به عناصر دیگری از داستان از جمله درون مایه، لحن یا کیفیت بیان و فضا، زمان و مکان پرداخته شده و نقش این عناصر در اسرارنامه مشخص شده است.

۱۰- نتیجه گیری: این بخش شامل نتیجه ی کلی و نهایی تمام بخش ها به صورت خلاصه برای سهولت کار خوانندگان می باشد.

چ) نتیجه گیری

در نهایت در ارتباط با اسرارنامه باید گفت که اسرارنامه متنی است تعلیمی با موضوعات مذهبی عرفانی و اخلاقی اجتماعی که حکایات در آن به صورت غیرصریح بیان شده اند و عناصری همچون فضا، زمان، مکان نقش زیادی در حکایت ندارند و آنچه که مهم است ابلاغ پیام می باشد به خواننده حکایت های اسرارنامه به لحاظ شخصیتی شامل ۱۱ تیپ شخصیتی می باشند که این ۱۱ گروه به لحاظ کنش به شش گروه نهایی تقسیم می شوند. همچنین اسرارنامه شامل ۱۸ الگوی شخصیتی، ۷ الگوی روایتی و ۴۲ الگوی کنشی است که هر کدام در جای خود به صورت مفصل توضیح داده شده اند.

فصل اول

کلیات

۱-۱- نقد و شکل گیری آن

نقد ادبی اگرچه در غرب تاریخی طولانی دارد و در طول مدتی بیش از دو هزار سال نظریه های گوناگونی در آن پدید آمده است، اما به طور کلی در میان این نظریه های متنوع می توان مفاهیم و اصول مشترکی را یافت. بر این اساس می توان چهار نظریه ای را که در تاریخ نقد، مطرح بوده است مشخص کرد که هر کدام از نظریه ها با تأکید بر یکی از چهار عنصر اصلی در پدیده ی شعر شکل گرفته اند و در ارتباط با هر اثر هنری می توان این چهار عنصر را مشاهده کرد:

۱. هنرمند: که اثر را می آفریند.

۲. اثر که آفریده ی هنرمند است.

۳. جهانی که در اثر آشکار می شود.

۴. مخاطب که اثر او را تحت تأثیر قرار می دهد.

تأکید بر جهانی که اثر آشکار می کند، نظریه ی تقلید را به وجود می آورد که از افلاطون آغاز و تا قرن هیجدهم نیز ادامه یافت. نظریه ی دوم تأکید را بر مخاطب می گذارد، این جهت تأکید، نظریه ی پراگماتیک را در ادبیات به وجود آورد که بر جنبه ی تعلیمی شعر تکیه می کرد. در خلال قرن هیجدهم نظریه درباره شعر از جنبه ی تعلیمی به تدریج به سوی لذت و مسرت حاصل از شعر گرایش پیدا کرد. این گرایش در واقع انتقالی بود از مخاطب هنر به آفریننده آن این مرحله در واقع گذری از معنی و محتوا به زبان و صورت و گذشتن از مرحله

کلاسیسم به رمانتیسم بود. سرانجام پس از جنگ جهانی دوم و در قرن بیستم چهارمین نظریه که توجه به خود اثر بود آغاز شد و نظریه ی صورت گرایی و ساختار گرایی رسماً مطرح شد. (ر. ک. پورنامداریان، ۱۳۷۴، ص ۲-۰)

۱-۱-۱- انواع نقد

نقد ادبی به دو شاخه تقسیم می شود؛ «یکی نقد نظری که مجموعه ی اصطلاحات و تعاریف و بیان قواعد و فنون است و دیگری نقد عملی که استفاده ی عملی از این قواعد و قوانین می باشد که خود شامل دو بخش نقد احساسی و نقد معیاری می شود. نقد احساسی نقدی است که منتقد می کوشد تا تأثیری را که اثر ادبی بر او می گذارد بیان کند. نقد حکمی یا معیاری نقدی است که نه تنها بین اثر و خواننده ارتباط ایجاد شود بلکه تأثیر و کنش اثر ادبی به لحاظ موضوع، شکل و ساختار، تکنیک و صنعت، تجزیه و تحلیل روشن شود.» (ر. ک. شمیسا، ۱۳۷۸، ص ۳۵-۳۰)

«نقد نظری و عملی برحسب ارجاع، به انواعی تقسیم می شود که عبارتند از:

۱- نقد محاکاتی یعنی بررسی اثر به لحاظ چگونگی ارجاع به جهان بیرون؛ یعنی مطابقت هنری آن با جهان واقع.

۲- نقد کاربردی یا نقد به لحاظ خواننده، نقدی است که تکیه ی آن بر تأثیر اثر ادبی بر خواننده است و مهمترین مکتب این بخش نیز نظریه ی دریافت می باشد.

۳- نقد بیانگرانه یا نقد به لحاظ نویسنده که در این نقد، اثر ادبی را به لحاظ نویسنده بررسی می کند. مهمترین مکتب ادبی این نقد رمانتیسم است.

۴- نقد عینی یا نقد به لحاظ خود اثر که در این شیوه اثر ادبی را جدا از نویسنده و خواننده و دنیای واقعی بررسی می کند و اثر ادبی را پدیده ای مستقل می داند.» (ر. ک.

شمیسا ۱۳۷۸، ص ۴۰-۳۵)

۱-۲- فرمالیسم روسی

فرمالیسم روسی یا شکل‌گرایی یکی از مکاتب نقد ادبی است که در خلال جنگ جهانی اول در روسیه به وجود آمد و در سال ۱۹۲۰ به شکوفایی خود رسید. نخستین حرکت در ایجاد این مکتب را می‌توان انتشار کتاب «رستاخیز واژه» از ویکتور شکلوفسکی در سال ۱۹۱۴ دانست اما دو انجمن ادبی، بنیانگذار اصلی این مکتب بودند که عبارتند از:

۱- انجمن مطالعه در زبان ادبی که در سال ۱۹۱۶ در پتروگراد تأسیس شد و اعضای معروف آن بوریس آخن بام، ویکتور شکلوفسکی و یاکوبسن بودند.

۲- گروه دوم انجمن زبان‌شناسان بودند که در سال ۱۹۱۵ در مسکو تأسیس شد به ریاست یاکوبسن.

«از نظر فرمالیست‌ها ادبیات صرفاً یک مسأله‌ی زبانی است و زبان ادبی یکی از انواع زبان هاست و باید به آن از دید زبان‌شناسی نگریست. آنان اثر ادبی را تنها شکل و فرم محض می‌دانستند و معتقد بودند که در بررسی‌های ادبی تنها باید تکیه بر فرم باشد نه محتوا و هرگونه امور بیرونی را از جمله جنبه‌های اجتماعی، تاریخی و روانشناختی و یا مسائلی چون جذب و الهام و اشراق را در مرتبه‌ی دوم اهمیت قرار دادند. فرمالیست‌ها آراء بسیاری را طرح کردند که در نقد ادبی و روش بررسی ادبیات تأثیر گذاشت. به نظر آنها سبک، عدول از هنجار است که قابل ارزیابی و بررسی و تجزیه و تحلیل می‌باشد. آنها به طور کلی بر دو اصل تکیه داشتند:

۱- تغییر شکل در زبان عادی.

۲- صناعات ادبی که باعث آشنایی زدایی می‌شوند.» (ر. ک. شمیسا، ۱۳۷۸،

ص ۱۴۷-۱۵۰)

فرمالیست‌ها اصطلاحات و مباحثی ویژه در مکتب خود داشتند که به صورت خلاصه

عبارتند از: